

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی زبان قرآن (۱) دهم از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

۱- **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.
ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌های را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

۲- **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

۳- **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴- **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند! در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۱) نیاز دارید، تنها در ۱۸ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!



بازم‌بندی درس عربی زبان قرآن (۱)

نوبت اول	نوبت دوم	مهارت‌های زبانی
نمره ۲	نوبت اول	مهارت‌های زبانی
نمره ۲	نمره ۲	مهارت واژه‌شناسی
نمره ۷	نمره ۷	مهارت ترجمه به فارسی
نمره ۷/۵	نمره ۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
نمره ۲	نمره ۲	مهارت درک و فهم
نمره ۱/۵	نمره ۱/۵	مهارت مکالمه
نمره ۲۰	نمره ۲۰	جمع

فهرست

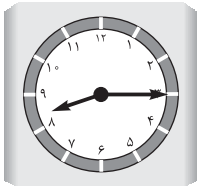
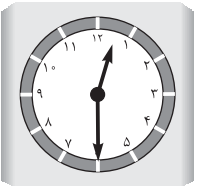
نوبت	آزمون پاسخ‌نامه	شماره صفحه
اول	۳	۳۷
اول	۶	۳۸
اول	۹	۳۹
اول	۱۲	۳۹
دوم	۱۵	۴۰
دوم	۱۸	۴۱
دوم	۲۱	۴۲
دوم	۲۴	۴۲
دوم	۲۷	۴۳
دوم	۳۰	۴۴
دوم	۳۲	۴۵
دوم	۳۵	۴۵
درس‌نامه توپ برای شب امتحان		
۴۷		

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	آزمون شماره ۱			ردیف
درس اول				
۰/۲۵	<p>هر کلمه با کلمه دیگر ممکن است متفاوت باشد ولی متضاد نباشد، متضاد یعنی کلماتی که از نظر معنا قابل جمع نیستند؛ بنابراین به معنای واژگان توجه کنید تا مترادف و متضاد را بشناسید.</p> <p style="text-align: center;"><input type="checkbox"/> أَصْعَدُ <input type="checkbox"/> أَنْزَلَ</p>			۱
۰/۵	<p>لِلتَّرْجُمَةِ: وَ أَنْظِرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ</p>			۲
۰/۷۵	<p>انتخب الترجمة الصحيحة. (الف) ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَةً (ب) او تنها خداست که / نعمت خود را فرو می‌ریزد (ج) «إِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مِنَ السَّمَاءِ» (د) به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. (ه) به کسانی که در زمین هستند رحم کنید تا کسی که در آسمان است با شما مهربان باشد. (و) قام أخي من النوم في الساعة السادسة إلا ربعاً. (ز) برادرم در ساعت شش و ربع از خواب برخاست. (ح) برادرم در ساعت یک ربع به شش از خواب برخاست.</p>			۳
۰/۲۵	<p>إملاً الفراغ. يا أختي، ما مهنتك؟ مُمَرَّضَةٌ. (هي - أنت - أنا)</p>			۴
۰/۵	<p>أرسم عقارب الساعة. الف) الزابعة و الربع ب) التاسعة إلا ربعاً</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;">   </div>			۵
درس دوم				
۰/۵	<p>انتخب الصحيح في الترجمة للكلمات المعينة. (الف) الْأَعْرَابُ يَعِيْشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ. (سه - سی - سیزده) (ب) طُولُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتُّ أمتار. (هشت - شش - نه)</p>			۶
۱	<p>عين الكلمة التي لا تناسب الكلمات الأخرى في المعنى. الف) <input type="checkbox"/> تراحم <input type="checkbox"/> نباتات <input type="checkbox"/> طيور <input type="checkbox"/> أشجار ب) <input type="checkbox"/> غيم <input type="checkbox"/> مطر <input type="checkbox"/> تلج <input type="checkbox"/> زميل ج) <input type="checkbox"/> متخف <input type="checkbox"/> مختبر <input type="checkbox"/> مكتبة <input type="checkbox"/> مستشفى د) <input type="checkbox"/> مسجل <input type="checkbox"/> بنى <input type="checkbox"/> أجرى <input type="checkbox"/> غرس ه) <input type="checkbox"/> أخلص <input type="checkbox"/> مواطن <input type="checkbox"/> سماء <input type="checkbox"/> نهائم</p>			۷
۰/۲۵	<p>عين ما طلب منك. بيئته (الجمع): <input type="checkbox"/> بيئات <input type="checkbox"/> بيئون</p>			۸
۲	<p>لِلتَّرْجُمَةِ: (الف) «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (ب) «كُلُّوا جَمِيعاً وَ لَا تَفْرَقُوا فَإِنَّ الْبِرَّكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (ج) «وَ جَاءَ إِخْوَةُ بُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ» (د) «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي»</p> <p>تقریباً دو سوم پرسش‌های امتحان مربوط می‌شود به سؤال‌های ترجمه، بنابراین هر کس ترجمه بیشتر می‌داند به دو سوم نمره یعنی حدود ۱۳ نزدیک تر است! یادتان باشد سعی کنید ترجمه واژگان را از فواید جمله و متن یاد بگیرید و از حفظ کردن واژگان به تنهایی بپرهیزید.</p>			۹

ردیف	آزمون شماره ۱	عربی زبان قرآن (۱)	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
۱۰	انتخب الترجمة الصحيحة. ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ﴾ (۱) خداوند نسبت به همه آن چه که در دل هایتان است می‌داند. (۲) و بدانید که خداوند آن چه را که در دل هایتان است می‌داند.	۰/۲۵				
۱۱	كَمَلِ التَّرْجُمَةَ. قَامَ الْفَائِزُونَ بِاسْتِلَامِ جَوَائِزِهِمْ. «برنده‌ها به جایزه‌هایشان».	۰/۵				
۱۲	إِمْلَأِ الْفَرَاغَ. لي عشرَ تمثالاً. (سِتّ - ستّة - سادس)	۰/۲۵				
۱۳	أَكْتُبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ بِالْأَرْقَامِ. الف) سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ. ب) مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي خَمْسَةً وَعِشْرِينَ.	۱	فهار عمل اصلی (ضرب، تقسیم، منهای، به اضافه) را خوب در قاطر داشته باشید. ضرب (في)، تقسیم، ناقص، زائد			
۱۴	صَغَّ فِي الْمَرْبَعِ الْعِدَدِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ» ۱) الهاتَفُ ۲) البِدَايَةُ ۳) الْمُسْتَنْقَعَاتُ ۴) النَّشَاطُ ۵) سَمَكُ الْقَرِشِ	۱	<input type="checkbox"/> مياؤها ذات راحة كريمة. <input type="checkbox"/> عَدُوُّ الدَّلَافِينِ. <input type="checkbox"/> آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ. <input type="checkbox"/> الْقِيَامُ يَعْمَلُ بِتَحْرِيكِ وَ سُرْعَةٍ.			
درس سوم						
۱۵	أَكْتُبْ تَرْجُمَةَ مَا أُشِيرُ إِلَيْهِ بِخَطِّ. إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْحِيحِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ.	۰/۲۵				
۱۶	عَيَّنْ مَا طَلَبَ مِنْكَ. خَفَلَةٌ (المترادف):	۰/۲۵	<input type="checkbox"/> حجرة <input type="checkbox"/> المهرجان			
۱۷	لِلتَّرْجُمَةِ: الف) «فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذَّنْبَ إِلَّا اللَّهُ» ب) أَنْظِرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. ج) إِنَّ هَذَا الْإِعْصَارَ يَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ.	۱/۵				
۱۸	كَمَلِ التَّرْجُمَةَ. يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْبِلَادِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا. «مردم در این روز را سالانه».	۰/۵				
۱۹	عَيَّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْوَاقِعِ وَ الْحَقِيقَةِ. يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْقَمَرِيَّةِ.	۰/۲۵				
۲۰	إِمْلَأِ الْفَرَاغَ. رَجَاءٌ جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ. (إِجْعَلُوا - جَعَلُوا - لَا تَجْعَلْ)	۰/۲۵				
۲۱	إِنْتِخِبِ لِلْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. الف) الْمَصْدَرُ مِنْ «إِسْتَعْلَمَ»: ب) النَّهْيُ مِنْ «تَتَعَلَّمُونَ»: ج) الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَيْتَسِمَانُ»: د) الْأَمْرُ مِنْ «تَغْسِلُنَّ»:	۱	فعل‌های ثلاثی مزید و مصدر آن‌ها را به ترتیب یاد بگیرد (۱) ماضی، (۲) مضارع، (۳) امر، (۴) مصدر <input type="checkbox"/> إعلام <input type="checkbox"/> استعلام <input type="checkbox"/> لا تتعلمون <input type="checkbox"/> لا تتعلموا <input type="checkbox"/> سوف يبتسمان <input type="checkbox"/> سيبتسما <input type="checkbox"/> اغسلوا <input type="checkbox"/> اغسلنَّ			

نمبره	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)	ردیف
۲/۵	نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)	آزمون شماره ۱
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم			ردیف
آزمون شماره ۹				
۰/۵	مهارت واژه‌شناسی ۱. اُكْتُبْ ترجمة ما أُشير إليه بخطّ. الف) البَطُّ طائرٌ جَمِيلٌ. ب) أَلْعَلِمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ.			۱
۰/۵	۲. اِنتخب الصّحيح في التّرجمة للكلمات المعيّنة. الف) يَصْنَعُ الخنّاشُ وَكَنَهُ في جدارِ بيتٍ قديمٍ. (لانه - پرواز - بال) ب) أَذْهَبُ إلى مُوظّفِ الاتّصالاتِ. (مدیر - کارگر - کارمند)			۲
۱	۳. عَيّن ما طُلب منك. الف) شَرِيحَةٌ (بالفارسيّة): ب) أَرَادَ (المترادف): ج) عَدَاةٌ (المتضاد): د) أَحَبَّةٌ (المفرد): سیم کارت <input type="checkbox"/> پیاده‌رو <input type="checkbox"/> شَاءَ <input type="checkbox"/> سَارَ <input type="checkbox"/> عَشَاءَ <input type="checkbox"/> عَشِيَّةَ <input type="checkbox"/> حَبِيبَ <input type="checkbox"/> حَبَّةَ <input type="checkbox"/>			۳
۱	۴. عَيّن الكلمة الّتي لا تناسب الكلمات الأخرى. الف) <input type="checkbox"/> إلى <input type="checkbox"/> في <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> بِـ ب) <input type="checkbox"/> على <input type="checkbox"/> ثمَّ <input type="checkbox"/> كَ <input type="checkbox"/> عن ج) <input type="checkbox"/> فـ <input type="checkbox"/> مِنْ <input type="checkbox"/> لـ <input type="checkbox"/> في د) <input type="checkbox"/> و <input type="checkbox"/> فـ <input type="checkbox"/> ثمَّ <input type="checkbox"/> إلى			۴
۵	مهارت ترجمه به فارسی للترجمة: الف) «و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» ب) «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظَلِّمُونَ شَيْئاً» ج) «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» د) «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا» هـ) مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَّةِ. و) عَدَدُ المُرَافِقِينَ سِتَّةٌ: أَنَا وَ وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ. ز) تَدِمَ أَخِي الصَّغِيرُ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا عَذْرَتُهُ. ح) إِنَّ لِسَانَ القَيْطِ سِلَاحٌ طَيِّبٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِعَدَدٍ تَفَرُّزٌ سَانِلاً مُطَهَّراً. ط) رَفَضَهَا ذُو القَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ. ي) قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعِيَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ العُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَن.			۵
۱	۶. اِنتخب التّرجمة الصّحيحة. الف) نَظَرُ الوَلَدِ إِلَى الوَالِدِيهِ حُبّاً لهُمَا عِبَادَةً. ۱) نگاه کردن فرزند به پدر و مادرش از روی عشق به آن‌ها عبادت است. ۲) نگاه کردن پدر و مادر به فرزند از روی عشق به او عبادت است. ب) حُسْنُ الأَدَبِ يَسْتَرُ قُبْحَ النِّسَبِ. ۱) ادب نیکو نسب بد را می‌پوشاند. ۲) تربیت نیکو تربیت بد را می‌پوشاند. ج) عَدَاوَةُ العَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الجَاهِلِ. ۱) دشمنی دانا از دوستی نادان بهتر است. ۲) دشمنی عاقلانه از دوستی احمقانه بهتر است. د) سَحَبَ الإِعْصَارُ الأَشْيَاءَ الصَّغِيرَةَ إِلَى السَّمَاءِ. ۱) گردباد چیزهای کوچک را به آسمان پرت کرد. ۲) گردباد چیزهای کوچک را به آسمان کشید.			۶

شعار	kheilisabz.com	مدت آزمون: ٩٠ دقيقة	كلية رشتها به جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (١)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ٩		ردیف
٢	<p>٧ کَمَلِ التَّرْجِمَةَ.</p> <p>الف) رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ.</p> <p>«ناگهان مرا»</p> <p>ب) «اللَّهُمَّ انْفَعِنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي.»</p> <p>«خدا یا نسبت به آن چه»</p> <p>ج) أُرِيدُ أَنْ أَشَاهِدَ فَلَمَّا عَلِمْتُ.</p> <p>«می خواهم که علمی»</p> <p>د) أَيُّهَا السَّائِقُ، تُرِيدُ أَنْ تَذْهَبَ إِلَى مَدِينَةِ كُوفَةَ.</p> <p>«ای، می خواهی به شهر کوفه»</p>			٧
٠/٥	<p>٨ عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِالصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْوَاقِعِ وَالْحَقِيقَةِ.</p> <p>الف) يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ.</p> <p>ب) أَلْرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا تَجَحَّ فِي الْامْتِحَانَاتِ.</p>			٨
١	<p>٩ مِهَارَتِ سَنَاخَتِ وَكَارِبَرْدِ قَوَاعِدِ</p> <p>إِمْلَأِ الْفَرَاغَ:</p> <p>الف) الْمَاضِي مِنْ «يُجَادِلُ»:</p> <p>ب) الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ»:</p> <p>ج) النَّهْيُ مِنْ «تُقَبَّلْنَ»:</p> <p>د) النَّفْيُ مِنْ «يَتَعَامَلُونَ»:</p> <p>(جَدَلٌ - جَادِلٌ - جَادِلٌ)</p> <p>(تَقَعَّدَ - تَقَاعَدَ - إِقْعَادُ)</p> <p>(لَا تُقَبَّلْنَ - لَا تُقَبَّلُونَ - مَا قَبَّلُوا)</p> <p>(لَا يَتَعَامَلْنَ - لَا يَتَعَامَلُوا - لَا يَتَعَامَلُونَ)</p>			٩
٢	<p>١٠ أَكْتُبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْفَرَاغِ.</p> <p>الف) تَعَلَّمُوا ← المضارع:</p> <p>ب) لَا تَجْتَمِعْ ← الماضي:</p> <p>ج) شَارَكَتْ ← المضارع:</p> <p>د) عَلَّمَ ← الماضي:</p> <p>المصدر: الترجمة:</p> <p>التهني: الأمر:</p> <p>المصدر: الترجمة:</p> <p>المضارع: التهني:</p>			١٠
٠/٥	<p>١١ عَيِّنِ فِعْلَ الْأَمْرِ وَالْفِعْلَانَ الْمَجْهُولَانَ وَالصَّمِيرَ الْمَتَّصِلَ فِي الْآيَتَيْنِ.</p> <p>الف) «خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»</p> <p>ب) «أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»</p>			١١
١	<p>١٢ عَيِّنِ الْخَطَأَ.</p> <p>الف) إِزْحَمُونِي ← فعل امر <input type="checkbox"/></p> <p>ب) لَا تُحَيِّرْنِي ← فعل نهى <input type="checkbox"/></p> <p>ج) أَنْوَفَ ← مذكر <input type="checkbox"/></p> <p>د) الْكَافِرِينَ ← جمع سالم <input type="checkbox"/></p> <p>جمع مذكر <input type="checkbox"/> فعل ماضى <input type="checkbox"/></p> <p>فعل مفرد <input type="checkbox"/> فعل نفى <input type="checkbox"/></p> <p>جمع مكسر <input type="checkbox"/> اسم مفعول <input type="checkbox"/></p> <p>جمع مكسر <input type="checkbox"/> مذكر <input type="checkbox"/></p>			١٢
٠/٥	<p>١٣ أَكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْعَرَبِيَّةِ.</p> <p>الف)  (الف)</p> <p>ب)  (ب)</p>			١٣

شؤوننا	kheilisabz.com	مدت آزمون: ٩٠ دقيقة	كلية رشتتها به جز رشتة انسانی	عربی زبان قرآن (١)
نمره	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم		آزمون شماره ٩	
١	<p>مهارت درک و فهم</p> <p>صَحَّ فِي الْمَرِيحِ الْعَدَدُ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»</p> <p>(١) الْوَكْرُ (٢) الْهَجْرُ (٣) الشَّمْسُ (٤) السَّوَارُ (٥) الْمَلِيحُ</p> <p><input type="checkbox"/> هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.</p> <p><input type="checkbox"/> زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.</p> <p><input type="checkbox"/> بَيْتُ الطَّيُورِ.</p> <p><input type="checkbox"/> ابْتِعَاذُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.</p>			١٤
٢/٥	<p>إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.</p> <p>«يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأَى عَنِ الدُّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرِقِ وَأَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ. لِأَنَّ الدُّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ. لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. وَزَنْهُ يَبْلُغُ ضِعْفَ وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضَعُ صِغَارُهَا.»</p> <p>الف) مَا هُوَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ؟</p> <p>ب) كَيْفَ سَمِعَ الدُّلْفِينِ؟</p> <p>ج) مَاذَا يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ؟</p> <p>د) كَمْ وَزْنُ الدُّلْفِينِ؟</p> <p>هـ) عَيِّنْ إِعْرَابَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ فِي الْعِبَارَةِ: «يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأَى عَنِ الدُّلْفِينِ.»</p>			١٥
٢٠	جمع نمره	موفق باشيد		

پاسخنامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- گزینۀ (۲)؛ **اعْلَمُوا**؛ فعل امر جمع مذکر مخاطب، بدانید / **أَنَّ**؛ که / **يَعْلَمُ**؛ فعل مضارع، می‌داند / ما: آن چه را که / **فِي**؛ در / **أَنْفُسِكُمْ**؛ دل‌هایتان
- ۱۱- برنده‌ها به دریافت جایزه‌هایشان اقدام کردند. / قام: ایستاد / قام به: اقدام کرد / استلام: دریافت کردن
- ۱۲- من شانزده (سِتَّةَ عَشَرَ) تندیس دارم.
- پرسشی**؛ یکان عدد ۱۳ تا ۱۹ از نظر جنس، مخالف معدود است و «مثلاً» مذکر است؛ بنابراین یکان آن مؤنث می‌آید «سِتَّة».
- ۱۳- الف) $6 \times 11 = 66$
ب) $100 \div 4 = 25$
- ۱۴- الف) **آلة** لنقل الأصوات من مكان إلى آخر (تلفن)
ب) البداية (آغازکردن) / این واژه اضافی است.
ج) **المُستنقعات** / مياهُها ذات رائحة كريهة (مرداب‌ها)
د) **النشاط** / القيام بعمل يتحرك و سرعة (فعالیت)
ه) **سمك القرش** / عدو الدلافين (کوسه‌ماهی)
- ۱۵- قطعاً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.
- ۱۶- **الحفلة**: المهرجان (جشن، جشنواره)
- ۱۷- الف) و برای (آمزش) گناهانشان استغفار کردند و جز خدا کیست که گناهان را ببخشد.
- پرسشی**؛ فعل «**اسْتَغْفَرُوا**» ماضی و فعل «**يَغْفِرُ**» مضارع است و «**مَنْ**» از کلمات پرسشی است: «چه کسی»
- ب) به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی. / **صَدَقَ**؛ راست گفت / **صَدَقَ**، **يُصَدِّقُ**؛ باور کرد، باور می‌کند
- ج) قطعاً این گردباد با نیرویی، ماهی‌ها را به طرف آسمان می‌کشد.
- ۱۸- مردم در کشور این روز را سالانه جشن می‌گیرند.
- ۱۹- نادرست / **القمرية** ← **الشمسية**، ایرانی‌ها اولین روز از روزهای سال قمری را جشن می‌گیرند.
- ۲۰- لطفاً گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید (**اجعلوا**).
- پرسشی**؛ با توجه به ضمیر «**كُم**» و کلمه «**رجاء**» لطفاً» فعل به صورت امر و مخاطب می‌آید.
- ۲۱- الف) **اسْتَعْلَمَ** (ماضی) ← **استعلام** (مصدر)
ب) **تتعلمون** (مضارع) ← **لا تتعلموا** (نهی)
ج) **يبتسمان** (مضارع) ← **سوف يبتسمان** (مستقبل)
د) **تغسلن** (مضارع) ← **اغسلن** (امر)
- ۲۲- الف) زمین چگونه می‌شود؟ **تصيح الأرض مفروشة بالأسماك**.
ب) این پدیده چند بار اتفاق می‌افتد؟ **تحدث هذه الظاهرة مرتين في السنة أحياناً**.
ج) مردم چه می‌گیرند؟ **يأخذ الناس الأسماك**.
د) مردم چه ملاحظه می‌کنند؟ **يلاحظ الناس غيمة سوداء عظيمة و ...**
- ه) چند فعل مضارع در متن وجود دارد؟ چهار فعل مضارع وجود دارد: **تحدث، يلاحظ، تصيح، يأخذ**
- ۲۳- به تفرقه و اختلاف دعوت می‌کند پس او **مردود** دشمن است.
- ۲۴- **سَبَّ**؛ دشنام داد
- ۲۵- الف) و ما موسی را با نشانه‌هایی (از قدرت و حمایت) خود فرستاده‌ایم (و به او فرمان دادیم که) قومت را از تاریکی‌های (جهل و ظلم و گمراهی) به سوی نور (ایمان و عدالت و آرامش) بیرون بیاور.
- پرسشی**؛ در عبارت دو فعل وجود دارد:
- فعل «**لقد ارسلنا**» ماضی نقلی است (قد + ماضی) و چون متعدی است مفعول می‌خواهد «**موسی**» / «**أن أخرج**» که آن نیز متعدی است و مفعول دارد: «**قوم**».
- ب) همه مردم باید یا یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. / **علی** ...؛ باید، ضروری است، لازم است / **كل الناس**؛ همه مردم / **تعایشاً سلمياً**؛ زندگی مسالمت‌آمیز (سلم؛ صلح، آرامش)

۱- **رَفَعَ** ≠ **أَنْزَلَ**

۲- و به ابر بنگر پس چه کسی / از آن باران فرو فرستاد؟

۳- الف) گزینۀ (۲)؛ **ذَٰلِكَ**؛ آن / **أَنعم**؛ نعمت‌ها / **مُنهمرة**؛ ریزان

ب) گزینۀ (۱)؛ **إِزْحَمَ**؛ فعل امر، رحم کن / **مَنْ**؛ کسی که، کسانی که / **فِي الْأَرْضِ**؛ در زمین /

يَزْحَمُ؛ تا رحم کند / **لَئ**؛ به تو، با تو / **فِي السَّمَاءِ**؛ در آسمان

ج) گزینۀ (۲)؛ **قَامَ**؛ برخاست / **أَخِي**؛ برادرم / **مِنَ التَّوَمِ**؛ از خواب / **السَّادِسَةَ**؛ **إِلَّا رُبْعاً**؛ یک

ربع به شش

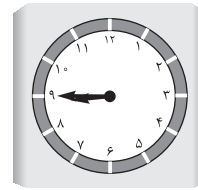
۴- ای خواهرم! شغل تو چیست؟ من (آنا) پرستارم.

پرسشی؛ در سؤال و جواب باید دقت کنید که: اگر از مخاطب سؤال شود در پاسخ متکلم می‌آید.

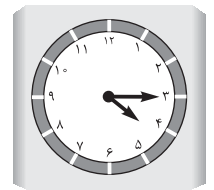
اگر از متکلم سؤال شود، در پاسخ مخاطب می‌آید. اگر از غایب سؤال شود، در پاسخ غایب می‌آید.

به عنوان مثال: شغل تو چیست؟ من پرستارم.

۵-



ب)



الف)

۶- الف) **كلاغ سي** سال یا بیشتر زندگی (عمر) می‌کند.

ب) بلندی قد زرافه **شش** متر است.

۷- الف) به یکدیگر مهربانی کردن / گیاهان / پرنندگان / درختان / چارپایان

ب) ابر / باران / برف / هم کلاسی / آسمان

ج) موزه / آزمایشگاه / کتابخانه / بیمارستان / شهروند

د) دستگاه ضبط / ساخت / جاری کرد / کاشت / مخلص شد

۸- **بَيَّتَة** (اسم مفرد مؤنث)، **بَيَّات** (جمع مؤنث سالم)

۹- الف) هر کسی کار نیک (را در قیامت) بیاورد برایش ده برابر آن هست. / **جاء**؛ آمد / **جاء**؛

به: آورد

پرسشی؛ «**مَنْ**» اسم شرط است و بهتر است فعل جمله «**جاء ب**»، مضارع ترجمه شود

(بیاورد) و جمله شرطیه نظر به حال و آینده دارد نه به گذشته.

ب) با همدیگر بخورید و پراکنده نشوید، زیرا که برکت با جماعت است. / **كُلُوا**؛ فعل امر جمع

مذکر مخاطب، بخورید / **لا تَفَرَّقُوا**؛ فعل نهی جمع مذکر مخاطب، پراکنده نشوید / **مع الجماعة**؛

با جماعت، همراه جماعت

ج) و برادران یوسف آمدند، پس بر او (یوسف) وارد شدند و او آن‌ها را شناخت.

پرسشی؛ **جاء**؛ آمد، در این جا «آمدند» چون فاعل به صورت جمع به کار رفته «**إخوة**؛ برادران»

فعل نیز جمع ترجمه می‌شود «آمدند» / **إخوة**؛ جمع مکسر «**أخ**»، برادران / **إخوة يوسف**؛ برادران

یوسف، ترکیب اضافی / **دَخَلُوا**؛ فعل ماضی، جمع مذکر غایب، داخل شدند، وارد شدند / **عليه**؛ **عَلَى**

+ **ه**، بر او / **عَرَفَ**؛ شناخت / **هَمَّ**؛ نقش مفعول را دارد، آن‌ها را

د) پروردگار! قطعاً من به خودم ستم کردم؛ پس مرا ببیامرز.

پرسشی؛ **رَبِّ**؛ در اصل «یا ربی» بوده است، ای پروردگار من / **إِنِّي**؛ قطعاً من / **ظَلَمْتُ**؛

فعل ماضی متکلم وحده، ستم کردم / **نفسی**؛ به خودم / **ف**؛ پس / **إِغْفُرْ**؛ فعل امر مفرد

مذکر مخاطب، ببیامرز / **لي**؛ برای من

- ۲۶- الف) دشمن تلاش می‌کند که میان صف‌های مسلمانان ایجاد تفرقه کند.
 ب) نیکی کن، همان‌گونه که خداوند به تو نیکی کرده است.
- ۲۷- نادرست / تُلُّتُ ← حُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ ... (یک‌پنجم ساکنان جهان از مسلمانان هستند).
- ۲۸- وحدت امت اسلامی در شکل‌های زیادی جلوه‌گر می‌شود (یتجلی).
نیرنگی: چون فاعل «اتِّحَادُ» مذکر است، فعل مذکر و مفرد می‌آید «یتجلی».
- ۲۹- الف) مضارع: تُحَاوِلُ / مصدر: مُحَاوَلَةٌ / امر: حَاوِلْ / نفی: لَا تُحَاوِلْ
 ب) ماضی: تَقَاعَدَ / مصدر: تَقَاعَدَ / امر: تَقَاعَدْ / مستقبل: سَتَتَقَاعَدُ، سَوْفَ تَتَقَاعَدُ
 ج) امر: قَبِّلِي / مصدر: تَقَبَّلْ / مضارع: تُقَبِّلِينَ / نفی: لَا تُقَبِّلِينَ

۵- الف) و زمانی که بندگانم درباره من از تو بپرسند قطعاً من (به آن‌ها) نزدیکم. / إذا: زمانی که / سَأَلْتُكَ: از تو پرسیدم، چون فعل ماضی بعد از «إذا» قرار گرفته است، مضارع ترجمه می‌شود «از تو بپرسند». / عبادی: بندگان من
 ب) پس آنان وارد بهشت می‌شوند و اصلاً مورد ظلم واقع نمی‌شوند. / أوْلئِكَ: آنان، اسم اشاره جمع برای دور / لا يُظْلَمُونَ: فعل مضارع منفی مجهول
 ج) بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است، همان که به وسیله قلم آموخت. / اقرأ: فعل امر، بخوان / رَبِّكَ الْأَكْرَمُ: ترکیب اضافی و وصفی، پروردگارت گرامی‌تر است / بالقلم: به وسیله قلم
 د) بر شماست پابندی به صفات برتر اخلاقی، زیرا پروردگارت مرا به خاطر آن فرستاده است. / علیکم: بر شماست، شما باید / مکارم الأخلاق: کرامت‌های اخلاقی، صفات برتر اخلاقی / بها: به خاطر آن / بَعَثْتَنِي: مرا فرستاد
 ه) کیست این کسی که آن را به وجود آورد / در آسمان مانند پاره آتش / مَنْ: واژه پرسشی، چه کسی / ذَا: این / أَوْجَدَهَا: آن را ایجاد کرد / الشَّرَّةُ: پاره آتش
 و) تعداد همراهان شش‌تاست: من، پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم. / المُرَافِقِينَ: همراهان / والدای، در اصل (والدان + ی) بوده است. همین‌طور است «أختای» و «أخوای» که نون مثنای آن‌ها حذف شده است.

نکته هرگاه اسم مثنی به اسمی اضافه شود، نون (ن) آن حذف می‌شود.

ز) برادر کوچکم از کار بدش پشیمان شد و من عذر او را پذیرفتم. / نَدِمَ: پشیمان شد / أَخِي الصَّغِيرِ: ترکیب اضافی - وصفی، برادر کوچکم / عَمَلِهِ السَّيِّئِ: ترکیب اضافی - وصفی، کار بدش / عَذَّرْتُ: عذر پذیرفتم

ح) زبان گربه، اسلحه‌ای طبی است، زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی ضدعفونی‌کننده ترشح می‌کند. / الْقِطْ: گربه / مملوء: سرشار، پر / تُفْرِزُ: ترشح می‌کند / سائلاً مُطَهِّراً: ترکیب وصفی، مایعی پاک‌کننده (ضدعفونی‌کننده)

ط) ذوالقرنین آن‌ها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند از بخشش دیگران بهتر است. / رَفَضَ: فعل ماضی متعدی، نپذیرفت / ها: مفعول، آن‌ها را / ذوالقرنین: فاعل / عطاءُ الله: ترکیب اضافی، بخشش خداوند / خَيْرٌ: خیر، خیر است.

ی) در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تأکید می‌کنند که دلفین‌ها می‌توانند صحبت کنند. / موسوعة علمية: ترکیب وصفی، دانشنامه علمی / يُؤكِّدون: تأکید می‌کنند

۶- الف) گزینه (۱): تَطَرُّ الوَلدِ: ترکیب اضافی، نگاه فرزند / والدیه: پدر و مادرش / حُبًّا: به خاطر عشق، از روی عشق

ب) گزینه (۱): حَسَنُ الْأَدَبِ: ترکیب اضافی، ادب خوب، ادب نیکو / يَسْتَرُ: می‌پوشاند / قُبْحُ النَّسَبِ: ترکیب اضافی، نسبت بد، نَسَبُ بد

ج) گزینه (۱): عَدَاوَةٌ: دشمنی / صَدَاقَةٌ: دوستی

د) گزینه (۲): سَحَبٌ: کشید / الإِعْصَابُ: فاعل، گردباد / الأَشْيَاءُ الصَّغِيرَةَ: ترکیب وصفی، چیزهای کوچک

۷- الف) ناگهان چیزی مرا با نیرویی به طرف بالا بلند کرد.

ب) خدایا، به من سود برسان با آن چه به من آموختی.

ج) می‌خواهم که فیلمی علمی ببینم.

د) ای راننده، می‌خواهیم به شهر کوفه برویم.

۸- الف) نان از آرد درست می‌شود. (درست)

ب) مردود کسی است که در امتحانات موفق نشده است. (درست)

۹- الف) ماضی «يُجَادِلُ» ← جَادَلْ (در باب مُفَاعَلَة)

ب) مصدر «تَقَاعَدَ» ← تَقَاعَدْ (در باب تَفَاعُلْ)

ج) نهی «تُتَمَلَّنْ» ← لا تُتَمَلَّنْ

د) نفی «يتعاملون» ← لا يتعاملون

۱۰- الف) مضارع: يَتَعَلَّمُونَ / مصدر: تَعَلَّمَ / ترجمه: یاد بگیرید

ب) ماضی: اجتمعت / نهی: لا تجتمع / امر: اجتمع

ج) مضارع: تُشَارِكُ / مصدر: مشاركة / ترجمه: مشارکت کرد

د) ماضی: عَلَّمْتَ / مضارع: تَعَلَّمْ / نهی: لا تَعَلَّمْ

۱۱- أنصتوا (فعل امر باب إفعال) / خَلِقْ (فعل ماضی مجهول) / تُزَحْمُونَ (فعل مضارع مجهول) / كُمْ (ضمير متصل)

۱۲- الف) إِرْحَمُونِي ← فعل ماضی نیست، بلکه فعل امر است.

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- الف) اردک، پرنده‌ای زیبا است.

ب) دانش، شکار است و نوشتن (آن) بند است.

۲- الف) خفاش لانه‌اش را در دیوار خانه‌ای قدیمی می‌سازد.

ب) پیش کارمند مخابرات می‌روم.

۳- الف) شریحه: سیم کارت

ب) آراد: شاة

ج) عَدَاةٌ ≠ عَشِيَّةٌ

د) أَحَبَّةٌ: مفرد آن ← حبيب

۴- الف) حرف جر / حرف جر / حرفی که پیش از مضارع می‌آید ✓ / حرف جر

ب) حرف عطف / حرف عطف ✓ / حرف جر / حرف جر

ج) حرف عطف ✓ / حرف جر / حرف جر / حرف جر

د) حرف عطف / حرف عطف / حرف عطف / حرف جر ✓

نکته حرف‌های «و، ف، ثم ...» حروف عطف و حرف‌های «أَنْ، لَنْ» حروف ناصبه (نصب‌دهنده) فعل مضارع و حرف‌های «فِي، إِلَى، عَلَيَّ، بِي، كَمْ، مِنْ، لِي» حروف جازه (جَزدهنده) هستند.

یادآوری حرف جر پیش از اسم می‌آید و اسم را مجرور می‌سازد و حروف جر عبارت‌اند از:

«فِي، إِلَى، عَلَيَّ، مِنْ، عَنِّي، يَ، لِ، لَكَ»

حروف عطف باعث ربط و اتصال دو کلمه «اسم و اسم» یا «فعل و فعل» می‌شود و عبارت‌اند از: وَ، فَ (پس)، ثُمَّ (سپس)

حرف «أَنْ» به معنی «که» پیش از فعل مضارع می‌آید و به مضارع التزامی تبدیل می‌کند: یکتبُ: می‌نویسد (مضارع اخباری) ← أَنْ یکتبَ: که بنویسد (مضارع التزامی)

- ب) لا تُحَيِّرُنِي ← فعل نفي نیست، بلکه فعل نهی است.
- ج) اُنُوف ← اسم مفعول نیست، چون بر وزن «مفعول» و «مُد...عَف» نیامده است.
- د) الكافِرین ← جمع مکسر نیست، بلکه جمع مذکر سالم است. (الكافر + ین)
- ۱۳- الف) الثَّامِنَة و الرَّبِيع (هشت و ربع)
- ب) الثَّانِيَة عَشْرَة و النَّصْف (دوازده و نیم)
- ۱۴- ۱) الوَكْرُ / بيت الطَّيْبور (لانه)
- ۲) الهَجْرُ / ابتعاذُ الصَّدِيقِ عَن صَدِيقِهِ أَوْ الرُّوْحِ عَن زَوْجَتِهِ (جدایی، دوری)
- ۳) الشَّمْسُ (خورشید) / این واژه اضافی است.
- ۴) السَّوَارُ / زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ (دستبند)
- ۵) المَلِيحُ / هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ (بانمک)
- ۱۵- الف) دوست انسان در دریاها کیست؟ الدَّلْفِينُ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ. (دلفین دوست انسان در دریاها است.)
- ب) شنوایی دلفین چه طور است؟ سَمِعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. (شنوایی آن ده بار از شنوایی انسان بیشتر است.)
- ج) اعضای خانواده چه چیزی را می بینند؟ يُشَاهِدُ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأَعًا عَنِ الدَّلْفِينِ. (اعضای خانواده فیلم جالبی در مورد دلفین می بینند.)
- د) وزن دلفین چه قدر است؟ وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزْنَ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا. (وزن آن تقریباً به دو برابر وزن انسان می رسد.)
- ه) أَعْضَاءُ (فاعل)، الْأُسْرَةُ (مضاف‌الیه)، فَلَمَّا (مفعول)، رَأَعًا (صفت)

درس نامه توپ برای شب امتحان

د اسم اشاره: اسمی است که برای اشاره کردن به کار می‌رود و دارای دو نوع نزدیک (القريب) و دور (البعيد) است.

جمع	مثنی	مفرد		
هؤلاء	هَذَانِ - هَذَيْنِ	هَذَا	مذکر	إشارة للقريب (اشاره به نزدیک)
هؤلاء	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ	هَذِهِ	مؤنث	
(این‌ها)	(این دو)	(این)	معنی	
أولئك	—	ذَلِكَ	مذکر	إشارة للبعيد (اشاره به دور)
أولئك	—	تلك	مؤنث	
(آن‌ها)	—	(آن)	معنی	

ه کلمات پرسشی

أ	هل	مَنْ	ما	أَيْنَ	مَتَى	كَيْفَ	كَمْ	لِمَ (لماذا)
آیا	آیا	چه کسی	چه چیزی	کجا	چه زمان	چگونه	چند، چه قدر	چرا

و اعداد: به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱ اعداد اصلی: که بیانگر تعداد هستند.

۲ اعداد ترتیبی: که بیانگر ترتیب و رتبه هستند (که در فارسی با پسوند «م» یا «مین» و در عربی بر وزن «الفاعل» یا «الفاعلة» به کار می‌روند).

اعداد اصلی: یک تا دوازده	
هفت: سَبْعَة	یک: واحد
هشت: ثَمَانِيَة	دو: اِثْنَان
نه: تِسْعَة	سه: ثَلَاثَة
ده: عَشْرَة	چهار: أَرْبَعَة
یازده: أَحَدَ عَشَرَ	پنج: خَمْسَة
دوازده: اِثْنَا عَشَرَ	شش: سِتَّة

اعداد ترتیبی: یکم تا دوازدهم	
هفتم: السَّابِع / السَّابِعَة	یکم: الأوَّل / الأوَّلِي
هشتم: الثَّامِن / الثَّامِنَة	دوم: الثَّانِي / الثَّانِيَة
نهم: التَّاسِع / التَّاسِعَة	سوم: الثَّلَاث / الثَّلَاثَة
دهم: العَاشِر / العَاشِرَة	چهارم: الرَّابِع / الرَّابِعَة
یازدهم: الحَادِي عَشَرَ	پنجم: الخَامِس / الخَامِسَة
دوازدهم: الثَّانِي عَشَرَ	ششم: السَّادِس / السَّادِسَة

درس اول: قواعد عربی هفتم، هشتم و نهم

الف علامت‌ها: فتحه َ / كسره ِ / ضمه ُ / سکون ْ / تنوین ً ٍ ٌ

ب اسم از نظر عدد: در عربی هر اسمی بیانگر تعداد خاصی است که عبارت‌اند از: مفرد (یکی)، مثنی (دوتا) و جمع (بیشتر از دوتا).

گفته

۱ علامت مثنی (ان - ين) هم برای مذکر و هم برای مؤنث استفاده می‌شود.

البته علامت مؤنث (ة) در مثنی تبدیل به «ت» می‌شود.

مثال: مَدْرَسَة ← مَدْرَسَتَانِ، مَدْرَسَتَيْنِ

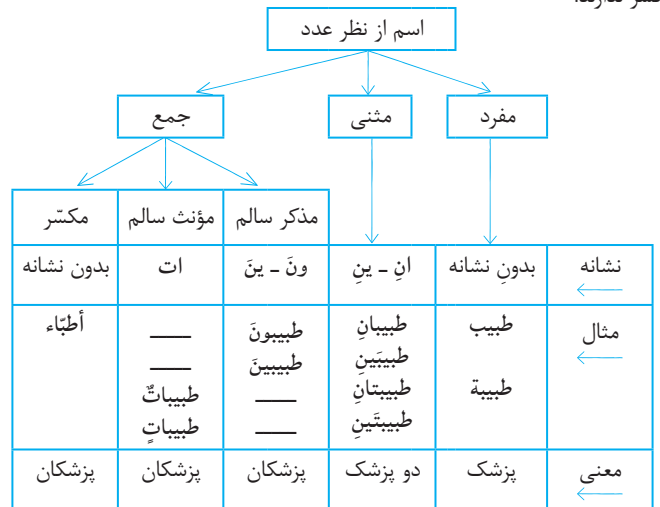
۲ جمع سالم: جمعی است که روش ساختن آن، اضافه کردن نشانه جمع (ون - ين - ات) به انتهای اسم مفرد است.

مثال: عارف ← عارفون، عارفين / عارفة ← عارفات

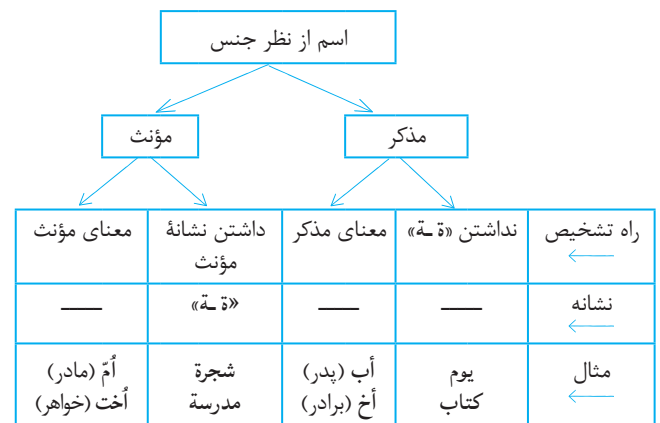
۳ جمع مکسر: جمعی است که روش و نشانه خاصی ندارد و فقط براساس شنیده‌ها یاد گرفته می‌شود و در آن، شکل و نظم ظاهری اسم مفرد تغییر می‌کند.

مثال: عارف ← عُرَفَاء

۴ آیا همه اسم‌های مفرد، حتماً دارای جمع مکسر هستند؟ خیر، بعضی از اسم‌ها جمع مکسر ندارند.



ج اسم از نظر جنس: در عربی هر اسمی، یا مذکر محسوب می‌شود و یا مؤنث. البته دلیل مؤنث بودن در بعضی از اسم‌ها داشتن علامت مؤنث (ة) است (مانند: مزرعة) و در بعضی، داشتن معنای مخصوص مؤنث‌ها (مانند: أم: مادر).



فعل‌ها:

ماضی	دَخَلَ [وارد شد]
ماضی منفی ما + ماضی	ما دَخَلَ [وارد نشد]
مضارع	يَدْخُلُ [وارد می‌شود]
مضارع منفی لا + مضارع	لا يَدْخُلُ [وارد نمی‌شود]
مستقبل (آینده) سَدَ / سَوْفَ + مضارع	سَيَدْخُلُ [وارد خواهد شد] سَوْفَ يَدْخُلُ [وارد خواهد شد]
نهی لا + مضارع مجزوم	لا تَدْخُلُ [وارد نشو]
امر مضارع مجزوم با حذف «ت» و جایگزینی «ا»	اَدْخُلُ [وارد شو]

در ساختن امر و نهی، منظور از «مضارع مجزوم» چیست؟

برای ساختن فعل امر و نهی باید در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد کنیم، که شامل این موارد می‌شود:

۱) اگر در آخر فعل، ضمه (ـُ) داشتیم به سکون (ـَ) تبدیل کنیم.

مثال: تَجَلَّسَ ← لا تَجَلِّسْ

۲) «ن» را از آخر فعل، حذف کنیم به شرط این‌که قبلش یکی از سه حرف «و-ا-ی» باشد.

مثال: تَجَلَّسُونَ - تَجَلَّسَانِ - تَجَلَّسِينَ ← لا تَجَلِّسُوا - لا تَجَلِّسَا - لا تَجَلِّسِي

۳) در جمع مؤنث حرف «ن» شرط گفته‌شده را ندارد، پس حذف نمی‌شود.

مثال: تَجَلَّسْنَ ← لا تَجَلِّسْنَ

تذکره: تفاوت «لا» در فعل نهی و نفی چیست؟ (تفاوت لای نهی و نفی) با به کار بردن «لا» در نهی باید انتهای فعل را تغییر دهیم (لا تَجَلِّسْ: ننشین). ولی با به کار بردن «لا»

در نفی انتهای فعل هیچ تغییری نمی‌کند (لا تَجَلِّسْ: نمی‌نشینی).

بنابراین روش ساختن فعل نهی: لا (لای نهی) + مضارع مجزوم

روش ساختن فعل امر

فعل امر فقط از صیغه‌های دوم‌شخص مفرد و جمع در مضارع ساخته می‌شود البته با انجام سه مرحله:

۱) حذف «ت» از ابتدای فعل مضارع (دوم‌شخص)

۲) جایگزین کردن «ا» به جای حرف حذف‌شده «ت» البته به شرط این‌که حرف بعد از «ت» ساکن باشد (اگر ساکن نبود، نیازی به جایگزین کردن «ا» نیست). علامت «ا»

به علامت حرف دوم ریشه بستگی دارد: اگر حرف دوم ریشه، ضمه داشت به «ا» ضمه می‌دهیم، اگر فتحه یا کسره داشت فقط کسره می‌دهیم: اَدْخُلْ - اَدْخُلِي - اَدْخُلِي

۳) انتهای فعل را به روش گفته‌شده تغییر می‌دهیم (یعنی مجزوم می‌کنیم).

مثال:

تَجَلَّسْ (می‌نشینی) ← اَجْلِسْ (بنشین)

تَجَلَّسِينَ (می‌نشینی) ← اَجْلِسِي (بنشین)

تَجَلَّسُونَ (می‌نشینید) ← اَجْلِسُوا (بنشینید)

تَجَلَّسَانِ (می‌نشینید) ← اَجْلِسَا (بنشینید)

تَجَلَّسْنَ (می‌نشینید) ← اَجْلِسْنَ (بنشینید)

ط) آشنایی با صیغه (شخص) و صرف فعل‌های ماضی و مضارع

در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها برای شش شخص (شش حالت) به کار می‌رود. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

فعل مضارع	فعل ماضی	ضمیر پیوسته	شخص یا صیغه در عربی	شخص یا صیغه در فارسی
أَفْعَلُ (انجام می‌دهم)	فَعَلْتُ (انجام دادم)	ي [م]	متکلم وحده	اول شخص مفرد (من) أنا
تَفْعَلُ (انجام می‌دهی)	فَعَلْتَ (انجام دادی)	كَ [ت]	مخاطب مفرد مذکر	دوم شخص مفرد (تو) أَنْتَ
تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی)	فَعَلْتِ (انجام دادی)	كَ [ت]	مفرد مؤنث	(تو) أَنْتِ
يَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	فَعَلَ (انجام داد)	هـ / هـ [ش]	غائب مفرد مذکر	سوم شخص مفرد (او) هُوَ
تَفْعَلُ (انجام می‌دهد)	فَعَلَتْ (انجام داد)	ها [ش]	مفرد مؤنث	(او) هِيَ
تَفْعَلُ (انجام می‌دهیم)	فَعَلْنَا (انجام دادیم)	نا [مان]	متکلم مع الغیر	اول شخص جمع (ما) نَحْنُ
تَفْعَلُونَ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُمْ (انجام دادید)	کُمْ [تان]	مخاطب جمع مذکر	دوم شخص جمع أَنْتُمْ
تَفْعَلْنَ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُنَّ (انجام دادید)	کُنَّ [تان]	جمع مؤنث	أَنْتُنَّ (شما)
تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید)	فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	کُما [تان]	مثنی مذکر مثنی مؤنث	أَنْتُمَا أَنْتُمَا
يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند)	فَعَلُوا (انجام دادند)	هُم [شان]	غائب جمع مذکر	سوم شخص جمع هُم
يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند)	فَعَلْنَ (انجام دادند)	هُنَّ [شان]	جمع مؤنث	هُنَّ (آن‌ها)
يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	فَعَلَا (انجام دادند)	هُمَا [شان]	مثنی مذکر	هُمَا
تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	فَعَلْنَا (انجام دادند)	هُمَا [شان]	مثنی مؤنث	هُمَا

ی) فعل ماضی استمراری

هرگاه یکی از فعل‌های خانواده «کان» (کان - کانا - کانوا - کانت - کانتا و ...) کمی قبل‌تر از یک فعل مضارع بیاید، این دو فعل را در فارسی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم.

مثال: كان الطلاب يذهبون: دانش‌آموزان می‌رفتند.

البنات کانتا تکتبان: دو دختر، می‌نوشتند.

کانوا یکتبون: می‌نوشتند. (التمرین الاول (صفحه ۶ کتاب درسی))

ک) حروف اصلی / وزن

سه حرف اصلی کلمات را «ریشه» می‌نامیم. مانند ریشه «دخ ل» در «أَدْخَلَ، تَدْخُلُ، دَخِلَ، مُدَاخَلَةٌ». با جایگزین کردن سه حرف «ف ع ل» به جای ریشه کلمات می‌توانیم وزن آن‌ها را به دست آوریم (وزن، همان آهنگ و ریتم کلمه است).

مثال: أَخْرَجُ بر وزن أَفْعَلُ / جَمِيلٌ بر وزن فَعِيلٌ.

تذکر در مورد وزن «فَاعِلٌ» و «مَفْعُولٌ»:



○ وزن «فاعل» بیانگر «انجام‌دهنده یا دارنده حالت» است.

مثال: «خالق: آفریننده» و «عالم: دانا»

○ وزن «مفعول» بیانگر «انجام‌شده» است.

مثال: «مخلوق: آفریده‌شده» و «معلوم: دانسته‌شده»

ن ترکیب وصفی (موصوف و صفت)

در عربی معمولاً اگر دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند و علامت انتهای هر دو، یکسان باشد، موصوف و صفت به حساب می‌آیند.

مثال: الدَّرْسُ السَّهْلُ طَالِباً شَجَاعاً

موصوف صفت موصوف صفت

[درس آسان] [دانش‌آموزی شجاع]

م ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

در عربی هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و اسم اول، «ال» و تنوین نداشته باشد و اسم دوم علامتش مجرور (-ِ ...) باشد، معمولاً مضاف و مضاف‌الیه به حساب می‌آیند.

مثال: دَرْسُ التَّلْمِيزِ طَالِبٌ مَدْرَسَةٍ

مضاف مضاف‌الیه مضاف مضاف‌الیه

[درس دانش‌آموز] [دانش‌آموز مدرسه‌ای]

ن ترکیب سه کلمه‌ای (اسم + ضمیر متصل + اسم «ال» دار)

در این نوع ترکیب سه کلمه‌ای، ضمیر را بعد از اسم «ال» دار (کلمه سوم) ترجمه می‌کنیم.

مثال: كِتَابُكَ الْمَفِيدُ: کتاب مفید تو / رَبِّي الْعَظِيمُ: پروردگار بزرگ من

س بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت به ترتیب زیر عمل می‌کنیم:

ساعت کامل ← از ← اعداد ترتیبی بر وزن «الفاعلة»

نیم ← «النَّصْف» ربع ← «الرُّبْع»

یک ربع مانده به ... ← «إِلَّا رُبْعاً»

مثال: ساعت هفت: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ

هفت و نیم: السَّابِعَةُ وَ النِّصْفِ

یک ربع مانده به هفت: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

ع یادآوری رنگ‌ها (الألوان)

أَحْمَرٌ (سبز) / أَحْمَرٌ (سرخ) / أَزْرَقٌ (آبی) / أَصْفَرٌ (زرد) / أَبْيَضٌ (سفید) / أَسْوَدٌ (سیاه) / بَيْضَاجِي (بنفش)

ف یادآوری روزهای هفته (أَيام الأسبوع)

السَّبْتُ (شنبه) / الأَحَدُ (یکشنبه) / الإِثْنَيْنِ (دوشنبه) / الثَّلَاثَاءُ (سه‌شنبه) / الأَرْبَعَاءُ (چهارشنبه) / الخَمِيسِ (پنج‌شنبه) / الجُمُعَةُ (جمعه)

ض وعده‌های غذایی

الْفُطُورُ: صبحانه / القَدَاءُ: ناهار / العِشَاءُ: شام

کلمات و عبارات مهم

فعلها

تَمَّتْ: رشد کرد
إِئْتَحْتُ: جست‌وجو کن
أَوْجَدْتُ: پدید آورد
زَانَ: زینت داد
قُلْتُ: بگو
يَدُورُ: می‌چرخد
صارت: شد، گردید
يُخْرَجُ: درمی‌آورد
أَنْزَلَ: نازل کرد
جَهَّزَ: مجهز کرد
كَمَّلَ: کامل کن

سایر کلمات و عبارات

جذوة: پاره آتش
حبة: دانه
ضياء: روشنی
شَرَّة: اخگر (پاره آتش)
ذات: دارای
مُسْتَعْرَة: فروزان

بالغ: کامل ذاك: آن (ذلك)

الغيم: ابر ذو: دارای

مراجعة: دوره کردن ذا: این (هذا)

النضرة: تروتازه الغصون: شاخه‌ها (جمع غصن)

النستان: لباس زنانه أنعم: نعمت‌ها (جمع نعمة)

مستعيناً: به کمک دُرر: مرواریدها (جمع دُر)

ذات الغصون النضرة: دارای شاخه‌های تروتازه

زائنه بأنجم: آن را با ستارگانی زینت داد.

أنعمه مئهمرة: نعمت‌هایش، ریزان است.

قدرة مقتدرة: قدرتی توانا

كالذُرر المنتشرة: مانند مرواریدهای پراکنده

جعل الظلمات والنور: تاریکی‌ها و روشنی را قرار داد.

کلمات حواری گفت‌وگو

أحد الموظفين: یکی از کارمندان أن أسافر: که سفر کنم

قاعة المطار: سالن فرودگاه التعرف: آشنایی با یکدیگر

مع الأسف: متأسفانه

مترادف	
أوجد = خَلَقَ	نام = رَقَدَ
پدید آورد = آفرید	خوابید = خوابید
النضرة = الطَّارِجُ	جذوة = شرة
تروتازه = تازه	پاره آتش = پاره آتش
ضياء = نور	بالغ = کامل
روشنی = نور	کامل = کامل
الغيم = السحاب	مُجِدَّ = مُجْتَهِد
ابر = ابر	تلاشگر = تلاشگر
كوكب = نجم	
ستاره = ستاره	

متضاد	
يمين ≠ يسار	نهایه ≠ پدایه
راست ≠ چپ	پایان ≠ آغاز
مسموح ≠ ممنوع	مسرور ≠ حزین
مجاز ≠ ممنوع، غیرمجاز	شاد ≠ غمگین
جميل ≠ قبيح	السَّماءُ ≠ الأرض
زیبا ≠ زشت	آسمان ≠ زمین
ناجح ≠ راسب	اللَّيْلُ ≠ النَّهَارُ
قبول ≠ مردود	شب ≠ روز
الظلمة ≠ النور	الدُّنْيَا ≠ الآخرة
تاریکی ≠ روشنی	دنیا ≠ آخرت
قريب ≠ بعيد	غالبية ≠ رخيصة
نزدیک ≠ دور	گران ≠ ارزان
قليل ≠ كثير	عَدُوٌّ ≠ صديق
کم ≠ زیاد	دشمن ≠ دوست
شراء ≠ بيع	
خریدن ≠ فروختن	